

# نگارش پایه دهم

## تحلیلی ویرایشی بر کتاب

دکتر علی اکبر کمالی نهاد

مدرس دانشگاه فرهنگیان

مسئول دبیرخانه راهبری و

دبیر اتحادیه انجمن‌های علمی-آموزشی معلمان زبان و ادبیات فارسی کشور

مرتضی توانا

دانشجوی دبیری آموزش زبان و ادبیات فارسی، پردیس شهید باهنر اراک

عضو شورای اجرایی انجمن علمی-آموزشی معلمان زبان و ادبیات فارسی استان مرکزی



فارسی، بهویژه نگارش، در میان دانش آموزان دارد، زبان کتاب نگارش، زبان معیار تلقی می‌شود. از سویی، الگوهای زبانی غیرمعیار اگر رواج پیدا کنند، به مرور زمان، معیار می‌شوند؛ در نتیجه، زبان از جنبه‌های مختلف شکننده می‌شود و اگرچه در ظاهر بتواند به نقش ارتباطی خود ادامه دهد، قاعده‌های فرو می‌ریزد و صرف و نحو آن دچار دگرگونی و اشکال می‌شود. پس، برای مراقبت از ارکان زبان فارسی و جلوگیری از دگرگونی آن، باید الگوهای زبانی غیرمعیار را در کتاب درسی شناخت، شیوه‌های کاربرد این الگوهای در لایه‌های سه‌گانه زبان کاوید و زبان‌های آن را معین کرد.

با به کارگیری مباحثه‌های نظری این پژوهش، تعدادی از جمله‌های این کتاب به صورت تصادفی از نظر اشکال‌های ویرایشی، در حوزه‌های فنی، زبانی و بلاغی بررسی شده‌اند و ضمن اشاره به مهم‌ترین اشکال‌های آن‌ها، سعی شده است صورت‌های جایگزین و مناسب با زبان معیار فارسی برای آن‌ها پیشنهاد شود.

### ۲.۱. پیشینه پژوهش

با توجه به بی‌پیشینگی و نو نگاشتی کتاب، فرست برای تحلیل آن کمتر بوده است. نقادان هنوز فرست نقد آن را نیافتداند و پژوهشی در این زمینه به ثبت نرسیده است که دقیقاً الگوهای زبانی غیرمعیار را در کتاب بررسی کند.

**چکیده**

کتاب نونگاشت نگارش ۱ (پایه دهم) گامی تازه به سوی ایجاد مهارت نوشتن است و با وجود نکات قوت بسیار و نوآوری‌های نوشتاری حاکم بر آن، از نظرگاه ویرایش عیب‌ها و اشکال‌هایی دارد که در لزوم اصلاح آن‌ها تردیدی نیست. این عیب‌ها و اشکال‌ها گاه ناشی از بی‌توجهی به قاعده‌های ساختمان زبان فارسی و گاه بر اثر اشکال‌های منطقی، بلاغی، تلفظی و بیانی است؛ بنابراین، لازم است شناخته و بررسی شوند و الگوهای معیار جایگزین آن‌ها گردد.

این پژوهش بر آن است که اشکال‌های کتاب نگارش را از این دیدگاه بررسی کند؛ یعنی الگوهای زبانی غیرمعیار کتاب را جستجو کند، به جای آن‌ها الگوهای زبانی معیار را مطابق قاعده‌های ساختمان زبان فارسی پیشنهاد دهد و در پایان، راههای پرهیز از کاربرد الگوهای غیرمعیار را معین کند. روش پژوهش به این صورت بوده است

که متن کتاب به دقت خوانده و بررسی شده و موردهای غیرمعیار در بخش‌های ویرایش فنی، زبانی - ساختاری و واژگان مشخص گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** ویرایش و نگارش، زبان معیار، الگوهای زبانی، درست‌نویسی، ویراستاری

### ۱. مقدمه

### ۱.۱. طرح مسئله و اهمیت پژوهش

به سبب جایگاه خاصی که کتاب‌های درسی

### ۳.۱. مبانی نظری پژوهش

در مبانی نظری این پژوهش، نظریه‌های «لایه‌های سه‌گانه زبان»، «ویرایش ساختاری - زبانی، فنی و بلاغی»، «درست و نادرست در زبان» و «زبان معیار و معیارسازی» اساس قرار گرفته است.

پیش از آن به زبان دیگری بوده است، شهر ویران گردید؛ یعنی پیش از آن آباد بوده است... که در همه این موارد، می‌توان «شدن» را نیز به کار برد، اما هرگاه نشان دادن دگرگونی در چیزی مراد نباشد، نمی‌توان از «گشتن» بهره گرفت و باید «شدن» را به کار برد. برای مثال، گفتن «مداد پیدا گردید» نادرست است؛ چرا که چیزی در مداد تغییر نکرده است.

← «بدين‌سان، خلق و آفرینش آسان می‌شود و پرسش‌ها

در ذهن و زبان جاری می‌گردد.» (صفحة ۱۵ بندپایانی، سطر ۳)

← «در مرحله قبل تعدادی پرسش عینی درباره موضوع جدا گردید.» (ص ۴۴، ب ۱، س ۱)

← «دیوارهایی چون قهر، نفرت، بدینی، حسادت و... که

هرگاه کاشته می‌شوند، باعث فاصله و جدایی می‌گردد.» (ص

۳۳، ب ۲، س ۲).

### ۲. سطوح ویرایشی متن

در این مقاله سعی شده است کتاب نگارش ۱ پایه دهم از نظر به کارگیری درست اصل‌ها و قاعده‌های فنی و صوری نگارش مورد بررسی قرار گیرد. مهم‌ترین محورهای این بررسی در حوزه ویرایش فنی عبارت‌اند از: رسم الخط و املای فارسی (نشانه‌گذاری اضافه، جدا و پیوسته‌نویسی واژه‌ها و ترکیب‌ها و...)، نشانه‌گذاری و بهره‌گیری از امکانات رایانه‌ای در حوزه خط و حرفاها فارسی، روان‌خوانی و انتقال بهتر مطالب، تشید در زبان فارسی.

در قلمرو ویرایش زبانی نیز به کاربردن شکل مجھول فعل به جای معلوم، آوردن صفت‌های نامتناسب با موصوف، حذف بیجای فعل یا حذف نکردن آن با وجود قرینه، خطاهای کاربرد نادرست فعل (به کارگیری همکردهای فعلی) و درازنویسی و بی‌توجهی به گزینش اجزای ترکیب مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در سطح واژگان هم کاربرد نادرست واژگان، تعبیرها و الگوهای بیگانه، مسئله گرتهداری (واژگان و اصطلاحات، معنایی و نحوی)، تأثولوژی و کاربرد بیش از حد واژه‌های هم‌معنی، درازگویی و حشو تحلیل شده‌اند.

### ۳. ویرایش ساختاری - زبانی

#### ۳.۱. خطاهای دستوری

##### ۳.۱.۱. خطاهای کاربرد نادرست فعل (به کارگیری همکردهای فعلی)

همواره اختلافی ناچیز میان دو واژه هم‌معنی وجود دارد که در گزینش واژه مطلوب‌تر دخیل است. نویسنده باید در این اختلافها دقت کند و واژه‌ای را برگزیند که قالب منظورش باشد و این همان اصل روانی و زلایی در نگارش است.

در زبان فارسی، گاه در بافت جمله دو یا سه فعل در محور همنشینی از نظر معنا و مفهوم تقریباً یکسان به کار رفته‌اند؛ در حالی که با اندکی دقت، می‌توان محدودیت قلمرو ویرایش را با توجه به عنصرهای دیگر جمله تشخیص داد. به کارگیری همکردهای «باشیدن»، «نمودن»، «گشتن»، «گردیدن» و... به جای فعل‌های معین «استن»، «کردن» و «شدن» جایز است اما فصیح نیست و بهتر است فعل‌هایی را به کار گرفت که در زبان شفاهی و نثر معیار رایج است.

### گردیدن

گردیدن و گشتن در زبان فارسی در جایی به کار می‌رود که مراد در آن نشان دادن دگرگونی در چیزی و از حالی به حالی گشتن آن چیز باشد؛ برای مثال می‌گویند: کتاب ترجمه گشت؛ یعنی

### می‌باشد

در کتاب «غلط ننویسیم» اثر ابوالحسن نجفی نوشته شده است: «به دو دلیل بهتر است از استعمال «می‌باشد» به جای «است» خودداری شود: اولاً «می‌باشد» و دیگر صیغه‌های باشیدن در گفتار عادی مردم رایج نیست... ثانیاً «می‌باشد»، به عنوان فعل اسنادی هیچ فرقی با «است» ندارد و بنابراین نیازی نیست که جانشین آن شود؛ مگر برای احتراز از تکرار، ولی تکرار فعل را لزوماً نباید از عیوب نگارش دانست. وانگهی چه لزومی هست که مثلاً به جای این جمله: «خانه من در کوچه هفدهم است»،

بگوییم: «خانه من در کوچه هفدهم می‌باشد؟»

← «اینجا همچنین دارای آرشیو روزنامه هم می‌باشد.» (ص

۶۲، ب ۳، س ۵)

البته کاربرد این فعل‌ها در جای خود و در معنای اصلی

(غیراستادی و غیرمعین) لازم و مناسب است: برای نمونه:  
گشتن در معنای تغییر وضعیت  $\rightarrow$  زمین به دور کرده خورشید  
می‌گردد.  
نمودن در معنای نشان دادن  $\rightarrow$  چنان می‌نماید که مرد عاقلی  
است.

گیرد  
جمله درست: امور اداری را معاونت اداری باید انجام دهد.

ب. حذف «توسط» یا خانواده‌اش و افزودن «بِ»  
نمونه:

جمله نادرست: او با بیان اینکه در حال حاضر، برای دریافت  
یارانه‌های نقدي از سوی ایرانیان خارج از کشور تقاضا داریم،  
تصریح کرد....

جمله درست: او با بیان اینکه هم‌اکنون برای دریافت یارانه‌های  
نقدي ایرانیان خارج از کشور تقاضا داریم، تصریح کرد....

ج. حذف «توسط» یا خانواده‌اش و افزودن «با»  
نمونه:

جمله نادرست: او گفت: «توسط مردم و اصناف به سراغ آنها  
خواهیم رفت...».

جمله درست: او گفت: «به کمک (با) مردم و صنف‌ها به سراغ  
آنها خواهیم رفت...».

د. حذف «توسط» یا خانواده‌اش و افزودن «از» یا «در»  
نمونه:

جمله نادرست: ... و علاقه‌مندی گسترهای برای همکاری با  
ایران، از سوی جامعه بین‌المللی، به وجود آمده است.

جمله درست: ... و علاقه‌مندی گسترهای برای همکاری با  
ایران در جامعه بین‌المللی به وجود آمده است.

۴.۱.۳. کاربرد نادرست حرف ربط  
جمله مرکب معمولاً از دو جمله پایه و پیرو یا پیرو و پایه  
تشکیل می‌شود. راههای شناخت جمله پایه از پیرو:  
الف. جمله پیرو تأویل به مصدر می‌شود اما پایه چنین نیست؛  
برای مثال:

اگر تلاش کنی، به هدفت می‌رسی (به شرط تلاش کردن، به  
هدف می‌رسی).

ب. جمله پیرو همیشه با حرف ربط همراه است اما جمله پایه  
حرف ربط ندارد؛ بنابراین، در جمله مرکب، فقط جمله پیرو حرف  
ربط می‌گیرد نه جمله پایه، و اگر دو بخش جمله مرکب حرف  
ربط بگیرد، جمله مرکب نادرست است؛ مانند:

«اگرچه خانه و سرا هم‌معنی‌اند اما هر یک متناسب با  
فضای خاصی به کار می‌رond.» (ص ۳۸، بند پایانی)

در جمله بالا هر دو بخش جمله همراه حرف ربط آمده و  
تشخیص جمله پایه از پیرو مشکل است و این جمله مرکب، از  
دو جمله پیرو ساخته شده که از نظر دستوری نادرست است؛  
پس باید جمله را به یکی از دو صورت زیر درست کرد:

۱. اگرچه خانه و سرا هم‌معنی‌اند (پیرو)، هر یک متناسب با  
فضای خاصی به کار می‌رond (پایه).

۲. (خانه و سرا هم‌معنی‌اند) (پایه) اما هر یک متناسب با فضای

۲.۱.۳. حذف به قرینه لفظی  
هرگاه دو جمله دارای فعلی همانند باشند، می‌توانیم یکی از  
فعال‌ها را حذف کنیم. این عمل در مورد اجزای دیگر جمله نیز  
امکان دارد. در کتاب، در بسیاری از جمله‌ها می‌توان فعل یا دیگر  
اجزای جمله را به قرینه حذف کرد؛ مانند:  
 $\leftarrow$  «... برای شخصیت‌های آفریده شده، وظیفه و نقشی  
تعیین می‌کنیم و کار هر یک را مشخص می‌کنیم...» (ص ۱۱۳، ب ۲، س ۳)  
 $\leftarrow$  «نوشته‌های زیر را بخوانید و فضای حاکم بر آن‌ها (عینی  
و ذهنی) را مشخص کنید و درباره پاسخ خود استدلال کنید.»  
(ص ۳۳، مورد ۱)

۳.۱.۳. مجھول نابجا  
اصلًا در زبان فارسی ساخت فعلی و جمله مجھول کمتر به کار  
می‌رود. فعل مجھول جزو ساختهای طبیعی و رایج زبان فارسی  
است و هنگامی به کار می‌رود که فاعل در جمله ذکر نشود و فعل  
به مفعول نسبت داده شود.  
 $\leftarrow$  «تلفن همراه... توسط شرکت‌های سازنده گوناگونی تولید  
می‌شود...» (ص ۴۵، ب ۳، س ۳)

در این جمله، فعل مجھول است و فعل مجھول به عامل و  
فاعل نیاز ندارد اما فاعل ذکر شده است. ساخت این جمله‌ها و  
مانند آن، گرتبهرداری نحوی از دستور زبان انگلیسی و فرانسه  
است. در این جمله‌ها چنین کاربردهایی رواج دارد و دلیل آن  
«برجسته‌سازی» و تأکید است. در زبان فارسی هرگاه مفعول  
مورد تأکید باشد، اول آورده می‌شود اما در زبان‌های انگلیسی و  
فرانسه، معادل را وجود ندارد و شکل مجھول فعل به کار می‌رود.  
در این جمله‌ها بیشتر حرف اضافه مرکب (توسط، به توسط،  
از سوی، به وسیله و...) به کار می‌رود. در جمله‌های فارسی که  
فاعل ابتدامی آید، این نشانه‌ها حذف می‌شوند و فعل معلوم به کار  
می‌رود:  
 $\leftarrow$  تلفن همراه را... شرکت‌های سازنده گوناگونی تولید  
می‌کنند...

– چند روش کاربردی برای پرهیز از کاربرد توسط، از  
سوی و به وسیله در جمله معلوم  
الف. حذف «توسط» یا خانواده‌اش + افزودن «را» +  
تبديل فعل مجھول به معلوم؛  
نمونه:

جمله نادرست: امور اداری توسط معاونت اداری باید انجام

خاصی به کار می‌رond (پیرو).

همچنین:

«اگرچه علاقه‌مادر انتخاب آنچه می‌خوانیم عامل تعیین‌کننده‌ای است اما فراموش نکنید که یک چیز برای همه نویسنده‌گان ضرورت دارد.» (ص ۸۲، بند ۵، س ۳)

• در مورد نشانه نگارشی هم باید گفت بین دو جمله مركب، اگر جمله پیرو مقدم باشد، نشانه «» و اگر جمله پایه مقدم باشد، نشانه «» می‌آید.

## به طور

«... مرحوم ثقة الاسلام با جمع یاران مشروطه طلب و انقلابی اش دیده می‌شود که به طور دسته‌جمعی بهدار آویخته شده‌اند.» (ص ۶۵، بند ۱، س ۲) ← به طور زاید است.

## بر روی

«کیک زرد اغلب از طریق آسیاب کردن فراوری‌های شیمیایی بر روی سنگ معدن اورانیوم تهیه می‌شود.» (ص ۴۹، ب ۴، س ۱) ← یکی از دو مورد زاید است.

## ب. گرتهداری نحوی

این نوع گرتهداری تغییر ساخت جمله‌های زبان وام‌گیرنده است؛ یعنی گرتدها دقیقاً براساس الگوهای نحوی و ساختار جمله‌های زبان مبدأ ریخته می‌شود؛ برای نمونه:

- ترجمه «ایک» حرف تعریف به «ایک» در فارسی، زاید است؛ علاوه بر آن در فارسی امروز هنگام نکره کردن اسامی، «ای» به آن‌ها افزوده نمی‌شود و شایسته نیست واژه «ایک» را به کار برد؛ زیرا امروزه واژه «ایک» بیشتر برای «عدد» و «صفت شمارشی» به کار می‌رود:
- «گاهی پس از طرح چند پرسش درباره «ایک موضوع» احساس می‌کنیم دیگر پرسشی نداریم.» (ص ۱۵، ب ۴، س ۱) ← به جای «موضوعی»
- «آیا هر فاصله‌ای را می‌توان یک دیوار دانست؟» (ص ۱۷، ب ۲، س پایانی) ← «ایک» زاید است.

## ۲.۲.۳ درازنویسی و بی‌توجهی به گزینش اجزای ترکیب

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که در ک مفهوم هر جمله با تعداد واژه‌های آن را بطور معکوس دارد. هرچه تعداد واژه‌های یک جمله کمتر باشد، در ک مفهوم آن آسان‌تر است. (بدیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۸)

الف. تاتولوژی (Tautology) یا مترادف‌نویسی تاتولوژی یا مترادف‌نویسی، یعنی بی‌دریسی آوردن واژه‌های هم‌معنی در جمله، بدون آنکه به همه آن‌ها نیاز باشد. در زبان عربی به آن «الغا»، یعنی بیهوده‌گویی می‌گویند. تفاوت آن با تکرار در این است که در تکرار، عین واژه تکرار می‌شود اما در مترادف‌نویسی، معادل معنایی واژه دیگر تکرار می‌شود.

«... و کار خلق و آفرینش را برای ذهن آسان نمود...» (ص ۸۷، بند پایانی، س ۵)

## ۲.۳. خطاهای واژگانی، تعبیری و اصطلاحی ۱.۲.۳ گرتهداری

در گرتهداری صورت ترکیبی و اصطلاحی یا نحوی و یا معنایی واژه‌ها به اجزاء سازنده‌اش تجزیه می‌شود و ترجمة لفظ به لفظ تعیین معنایی یا تغییر ساختاری می‌یابد. گرتهداری بنابر ماهیت آن، سه نوع است: لفظی، معنایی و نحوی. گرتهداری لفظی و معنایی در حوزه واژه، ترکیب و اصطلاح و گروه واژه و گرتهداری نحوی در حوزه جمله است.

## الف. گرتهداری لفظی (حرف اضافه زاید)

این نوع گرتهداری که ترجمة لفظ به لفظ ترکیب بیگانه به فارسی است، اگر براساس قاعده‌های زبانی وام‌گیرنده باشد و از الگوی زبانی وام‌دهنده تبعیت نکرده باشد، سبب رونق و توانگری زبان وام‌گیرنده می‌شود. البته گاهی برخی از واژه‌ها و اصطلاح‌ها به درستی ترجمه نمی‌شوند و معنای آن‌ها به فارسی، خلاف زبان اصلی است.

اشکال در به کارگیری حرف اضافه از مهم‌ترین اشکال‌های زبانی است.

## به عنوان

«مدرسه اگرچه در زمان ساخت خود به عنوان مدرسه‌ای مجلل مشهور شد...» (ص ۶۲، ب پایانی، س ۳) در این جمله «به عنوان» تعبیری کلیشه‌ای و قابل حذف است؛ چرا که اغلب با فعل‌های شمردن و انگاشتن به کار می‌رود. این غلط ناشی از ترجمة «as» است که در زبان انگلیسی به همراه فعل‌هایی معادل فعل‌های یادشده به کار می‌رود اما در ترجمة آن به فارسی، معمولاً می‌توان «as» را از ترجمه حذف کرد؛ بدون آنکه معنا لطمهدای بخورد.

## نسبت به

«هر فرد با توجه به شناختی که نسبت به موضوع دارد.» (ص

← «نوشتة بالا جمله‌ای طولانی، بلند و نفس‌گیر است.»  
(ص ۲۳، ب ۳، س ۱)

← «این ویژگی باعث شد آنان به محیط خارج از خود بیشتر توجه کنند و به اوهام و خیالات بی‌اعتنای باشند.» (ص ۲۴، بند پایانی، س ۲)

- «تلفن همراه یا گوشی همراه وسیله‌ای برای ارسال و دریافت تماس تلفنی از طریق ارتباط رادیویی در پهنه‌ای وسیع جغرافیایی است. منظور از موبایل یا گوشی همراه یا تلفن سلولی وسیله‌ای است که برای اتصال به شبکه تلفن همراه به کار می‌رود.» (ص ۴۵، ب ۲، س ۱) ← ۴۳ واژه

تلفن یا گوشی همراه وسیله فرنستادن و دریافت تماس تلفنی از راه ارتباط رادیویی در پهنه‌ای جغرافیایی است؛ به عبارت دیگر، گوشی همراه یا تلفن سلولی برای اتصال به شبکه تلفن همراه به کار می‌رود.» ← ۳۳ واژه

#### ب. نمونه دیگری از حشو صفت‌عالی

هنگام به کار گیری نشانه صفت عالی (صفت‌برترین)، اگر صفت یا اضافه آورده شود، باید واژه پس از صفت، «جمع» باشد؛ مانند: «حضرت محمد (ص)، بزرگ‌ترین (باکسره) پیامبران الهی است» و هرگاه صفت عالی بدون اضافه به کار رود، اسم پس از آن، مفرد می‌آید؛ مانند: «حضرت محمد (ص)، بزرگ‌ترین (با نون ساکن) پیامبر الهی است».

«یکی از دوستان گفت شاید این کتاب درباره بهترین گلزنان فوتبال باشد.» (ص ۲۸، ب ۲)  
در اینجا صفت عالی بدون اضافه به کار رفته است؛ بنابراین، اسم پس از آن مفرد می‌آید ← بهترین گلزن.

**۴. ویرایش فنی (آسیب‌های حوزه خط و املاء)**  
اگر بپرسند «مهمنترین» اصل در ویرایش چیست، بی‌شک پاسخش «یک‌دستی» است. بنا به اصل یک‌دستی، اجزای متن باید با هم هماهنگ باشند و ساز واحذ بزند تا خواننده بتواند چهره‌ای منسجم و متین از اثر ببیند و انتظارش از یکسانی متن، دم بهدم، نقش برآب نشود. فهرست موردهای دوگانه و ناهمگون کتاب به شرح زیر است:

#### ۱.۱. ناهمگونی در جدا و پیوسته نویسی برخی تکوازها

#### ۱.۱.۱. پیوسته و جدانویسی «ها»‌ی نشانه جمع فارسی

در کتاب «ها»‌ی نشانه جمع در همه موارد جدا نوشته شده است. تنها مورد استثنای «آن‌ها» (صورت جمع ضمیر غایب «او») است؛ اما در همین مورد نیز دوگانگی و ناهمگونی وجود دارد؛ چنان‌که این ضمیر در صفحه ۱۱۷، بند پایانی، سطر سوم، جدا نوشته شده است: «... و هر روز به آن‌ها آب می‌دادی.»

**۲.۱.۴. تر و ترین**  
هرچند صفات‌های حاصل از این پسوندها از نظر معنی یک واحد گفتاری هستند، به دلیل کم کردن استثنای و سادگی حفظ قاعده، به جز در «بهتر، کهتر، مهتر» (که گونه‌های به، مه و که هستند) جدا نوشته می‌شوند. از این سه مورد «کهتر» و «مهتر» در نوشهای امروزی کاربردی ندارند و فقط «بهتر» استثنای باقی می‌ماند.  
این پسوندهای نیز در کتاب در همه موارد جدا نوشته شده‌اند. با این حال، بیشتر و کمتر را مستثنای کرده است که ضرورتی ندارد.

**۲.۴. دوگانگی و ناهمگونی در گزینش واژه و نشانه جمع**  
اگر بخواهیم به تمام پرسش‌ها پاسخ بدهیم... شاید علاقه‌ای به پاسخ دادن به برخی از سوال‌ها نداشته باشیم. (ص ۴۴، ب ۱، س ۲)

منت زیر را بخوانید و متناسب با آن پرسش‌هایی طرح کنید.  
سپس با سازماندهی سؤال‌ها نقشۀ نوشته را نشان دهید. (ص ۴۹، مورد ب و ص ۶۴ مورد ۱)  
نویسنده برخی از ویژگی‌های ظاهری مداد را بیان کرده و همزمان جملاتی نیز از فضای ذهن خود، نوشته است اما در برخی از متن‌ها فضای عینی برجسته‌تر است و در بعضی فضای ذهنی غلبه دارد. (ص ۳۲، بند پایانی، س ۲)  
همچین، دوگانگی در صفحه ۴، موردهای ۱۲ (چرا بعضی رانده‌ها...) و ۱۳ (چرا برخی از افراد...) همین مورد دوگانگی و ناهمگونی در به کار گیری حرف اضافه «از». ... به چگونه نوشتی جواب هم بیندیشیم و به خدمان فرست دهیم تا پاسخ را خوب بپروریم... (ص ۱۸، بند ۴، س ۵)

**۳.۴. جمع‌های عربی در زبان فارسی معیار**  
نکته‌ای که هنگام به کار گیری واژه‌های زبان‌های دیگر باید به آن توجه کرد، این است که فقط واژه یا عبارت از زبانی به زبان دیگر کوچ می‌کند نه دستور زبان! منظور این است که وقتی می‌خواهیم واژه‌های زبان‌های دیگر را در زبان فارسی به کار گیریم، نباید دستور زبان مقصود را به زبان فارسی تحمیل کنیم؛ برای نمونه، همان‌طور که هنگام جمع بستن واژه «ترکی» «اتفاق»، در زبان فارسی نمی‌گوییم: «اتفاق‌لار» یا اگر بخواهیم واژه «تلفن» را جمع بیندیشیم، نمی‌گوییم: «تلفن‌ز» درست نیست واژه‌هایی را هم که از زبان عربی آمدند با نشانه‌های جمع عربی جمع بیندیشیم و بگوییم: معلمین، مسئولین، ملل، دول، واقعیات، مزارع و ... بنابراین، هیچ یک از واژه‌های عربی را با نشانه‌های جمع عربی جمع نمی‌بندیم؛ مگر: الف. واژه با نشانه جمع عربی، بار حقوقی و قانونی پیدا کرده باشد؛ برای نمونه: «جمع روحانیون مبارز» که نام حزبی خاص و تغییرناپذیر است.

ذهنی) را مشخص کنید.» (ص ۳۳)  
 «... از بین پرسش‌ها آن‌هایی را که با محتوای نوشته، ارتباط دارند، شخص نمایید...». (ص ۴۷)  
 «در گزارش‌نویسی ... معمولاً ابتدا درباره عنوان، مکان و زمان گزارش اطلاعاتی داده می‌شود...». (ص ۵۹)  
 «... تبادل اطلاعات، طراحی نقشهٔ ذهنی و ... همه در این مرحله انجام می‌گیرد.» (ص ۹)

«وزارت اطلاعات و امنیت» که نام خاص وزارت‌خانه‌ای است. رشتۀ دانشگاهی حقوق، رشتۀ حقوق بین‌الملل، وزارت علوم و... ب. واژه وقتی با نشانه جمع عربی جمع بسته می‌شود یا با نشانه جمع فارسی همراه است، دو معنای مختلف پیدا کند؛ برای نمونه: واژه امکان: امکانات اغلب به معنای تجهیزات و لوازم مادی نهاد یا مکانی است اما امکان‌ها، مفهوم غیرمادی و انتزاعی دارد و در مفهوم ممکن‌هاست.

پس، کاربرد اغلب واژگان با نشانه‌های جمع عربی در فارسی نادرست است؛ بنابراین، در زبان فارسی تا آنجا که ساخت زبان اجازه می‌دهد، واژه‌های عربی را هم باید با نشانه جمع فارسی جمع بست (مانند امتیازها، توصیف‌ها، مکالمه‌ها...) و نشانه جمع فارسی را درباره همه واژه‌های بیگانه به کار برد. در کتاب واژه‌های بسیاری هست که با نشانه جمع عربی همراه‌اند؛ در حالی که می‌توان همه آن‌ها را با نشانه جمع فارسی جمع بست که افزون بر برتری، در بسیاری موارد، در جمله خوش‌نشین تر نیز می‌نماید؛ مانند: موضوعات، اهداف، قدرات، اشعار، آیات، نکات، جملات، حلال.

از میان این گروه از واژه‌ها، واژه‌های موضوع، کلمه و حواس، دوگانگی و نامگوئی دارند. آن‌ها گاهی با نشانه جمع عربی «ات» و گاهی با نشانه جمع فارسی «ها» آمده‌اند و در مورد آخر، جمع مکسر به‌جای جمع فارسی به کار رفته است.

**اگر بپرسند «مهم‌ترین»  
اصل در ویرایش چیست،  
بی‌شک پاسخش  
«یک‌دستی» است. بنا به  
اصل یک‌دستی، اجزای  
متن باید با هم هماهنگ  
باشند**

**۶.۴. نشانه کسره اضافه در واژه‌های پایان‌یافته با «های» غیرملفوظ**  
 برخلاف واژه‌های پایان‌یافته با «های» ملفوظ و به اصطلاح سیر شده (مانند: فرمانده، گره و...) کسره اضافه را در واژه‌هایی که «های» در آن‌ها غیرملفوظ است و خوانده نمی‌شود، نباید حذف کرد. در کتاب، موردهایی از دوگانگی درآوردن یا نیاوردن این نشانه در «های» غیرملفوظ وجود دارد؛ مانند:  
 «متن زیر، نمونه دیگری از کاربرد جمله‌های طولانی است...» (ص ۲۴، س ۱)  
 «به دو نمونه زیر توجه کنید...». (ص ۱۱۶، س ۱)  
 در مواردی هم این نشانه به کار نرفته است؛ مانند:  
 متوسطه نظری (ص ۲، ۸ و ۱۰)  
 «یکی دیگر از ابزارهای انسجام متن، نشانه‌هایی هستند که معنای «قابل» دراند؛ جمله زیر را بخوانید...». (ص ۱۰۹، بند ۱، س ۱)

## ۷.۴. تشدید در زبان فارسی

تشدید از موردهایی است که از خط عربی گرفته شده است و در نوشتار فارسی به کار می‌رود، اما علت به کارگیری آن در فارسی با زبان عربی کاملاً متفاوت است. واژه‌های تشدیددار زبان فارسی بسیار اندک‌اند. جایگاه تشدید در این واژه‌ها یا در پایان هجای اول واژه‌های دوچرخایی یا در پایان واژه‌ها به هنگام اضافه شدن به حرف، پسوند یا واژه‌ای دیگر است. دلیل اصلی آوردن تشدید در زبان فارسی، گردش‌های زبانی و درگیری زبان در تأکیدهای گفتاری و موسیقی کلام است، پس این عنصر در زبان ما بیشتر جنبهٔ شنیداری دارد. وجود تشدید در زبان، سبب گرفتنگی آوایی و تکرار حرف می‌شود و در برخی زبان‌ها که این اتفاق بیش از حد می‌افتد، زبان به چالشی دچار می‌شود که آن راز روانی و رسانی دور می‌کند.

در زبان فارسی، همچون زبان‌های هم‌ریشه و هم‌خانواده خود (زبان‌های شاخهٔ هند و ایرانی و هند و اروپایی)، با پژوهش در فرهنگ‌ها و لغتنامه‌ها، این اتفاق آوایی و واچی را تنها می‌توان در واژه‌هایی محدود مشاهده کرد. با نگاهی به واژه‌های مشدد کتاب می‌توان گفت در بسیاری از این واژه‌ها آوردن تشدید ضروری نیست؛ به علاوه بین گذاشتن و نگذاشتن تشدید روى

«گفت سخن مرا در حبس شکم ماهی انداخت تا وجودم در آتش وحشت، شموع وار بگداخت...». (ص ۱۱۰)  
 «بس از روشن شدن موضوع، برای نوشتن داستانوار به شخصیت نیاز داریم...». (ص ۱۱۲، ب ۲، س ۱)  
 «...اگر موضوع نگارش «سنگ» باشد، می‌توان اینگونه نوشت...». (ص ۷۵، ب ۳، س ۳)  
 «...بهتر است در اینگونه نوشه‌ها از این کار ... پرهیز کنیم». (ص ۶۰، بند و سطر پایانی)  
 «فاصله‌های گاهی آن قدر زیاداند که هیچ دیواری به پهنه‌ای آن‌ها نمی‌رسد». (ص ۳۳، ب ۱، س ۲)  
 «کوزهٔ پیر آنقدر شرمنده بود...». (ص ۱۱۷، ب ۴، س ۱)

## ۵.۴. تشدید

در برخی از واژه‌های کتاب، در گذاشتن و نگذاشتن تشدید نیز دوگانگی و ناهمگونی هست:

«نوشته‌های زیر را بخوانید و فضای حاکم بر آن‌ها (عینی و

حرف‌های مشدد، در برخی واژه‌ها اختلاف است که پیش‌تر بیان شد.

مورد دیگر واژه «اهمیت» است که خلاف قاعده مشدد شده است؛ زیرا واژه‌های عربی که به حرف مشدد پایان می‌پذیرند وقتی «بیت» مصدری می‌گیرند با دو تشدید فقط روی حرف «م» قرار می‌شوند؛ حال اینکه در کتاب، تشدید فقط روی حرف «م» قرار گرفته است. (صص ۲۳، ۴۹، ۵۴، ۵۹، ۶۰ و ۱۱۵)

**برخی از واژه‌های مشدد کتاب مشخص، مهمی، طراحی، اتفاق، پلکانی، حتی، البته، دقّت، معلم و ...**

## ۲.۵. فاصله‌گذاری و مرزبندی واژه‌ها برای حفظ استقلال و درست‌خوانی

رعایت قاعده‌های فاصله‌گذاری به دلیل کاستن از ابهام متن، نیاز به کارگیری نشانه‌های ثانوی یا زبرخطی (حرکت‌گذاری یا اعراب‌گذاری) را در بسیاری از موردها رفع می‌کند. رعایت این قاعده‌ها علاوه بر اینکه به حکم منطق زبان نوشتاری ضروری است، به‌دلیل حضور زبان فارسی در دنیای رسانه‌های الکترونیکی و فضای فناوری اطلاعات (IT)، اهمیت بیشتری هم پیدا کرده است.

## ۳.۵. شیوه تنظیم فاصله و نیم‌فاصله

هرگاه حروف‌چین در هنگام حروف‌چینی ترکیب‌ها، بین اجزای آن‌ها فقط کلید «Space» را فشار دهد، در اصطلاح می‌گوییم اجزای آن‌ها «با فاصله» نوشته شده‌اند (یا بین آن‌ها «یک فاصله» گذاشته شده است) و هرگاه بین آن‌ها کلیدهای «Shift+ Space» یا «Ctrl+ Space» را با هم فشار دهد، می‌گوییم اجزای آن‌ها «بی‌فاصله» نوشته شده‌اند (یا بین آن‌ها «نیم‌فاصله» گذاشته شده است).

۱. میان اجزای ترکیب‌های دوجزئی ده‌حرفی (ترکیب‌هایی که ده حرف یا کمتر داشته باشند) نیم‌فاصله و میان اجزای ترکیب‌های یازده حرفی (ترکیب‌هایی که یازده حرف یا بیشتر داشته باشند) یک فاصله می‌گذاریم. این قاعده، «قاعده ده‌حرفی / یازده‌حرفی» نامیده می‌شود.

**دو جزئی ده‌حرفی یا کمتر:** همان‌دیشی، حکایت‌نگاری، ساده‌نویسی، پاسخ‌سازی، زغفران‌خیز، جانشین‌سازی، خراب‌شدنی، غم‌انگیز، سرخ‌پوست، آتش‌نشانی، قلمزدن، جمع‌بندی و ... .

**دو جزئی یازده‌حرفی یا بیشتر:** بدیعه‌پردازی، خرچنگ قورباغه، مشارکت‌پذیری و ... .

۲. هرگاه یکی از دو حرف «س» یا «ش» در هر دو جزء و حرف پایانی جزئی، جزء حرف‌های تخت (ب، پ، ت، ث) باشد، اگر ترکیب نه‌حرفی یا کمتر باشد، اجزای آن با نیم‌فاصله، و اگر ده‌حرفی یا بیشتر باشد، اجزای آن با یک فاصله از هم نوشته می‌شوند؛ مانند: مستضعف‌نشین.

۳. ترکیب‌های چند‌جزئی جدا که هشت حرف یا کمتر داشته باشند، با نیم‌فاصله از هم نوشته می‌شوند؛ مانند: لابلا.

در ترکیب‌های چند‌جزئی جدا که بیش از هشت حرف داشته باشند، میان اجزای ده‌حرفی (و کمتر) که با هم یک سازه دستوری (مانند اسم

## ۸.۴. عددنویسی

تنها نکته بیانی در این مورد، پرهیز از نوشتن عددها هم به صورت حروفی و هم هندسی است:

«... تعداد مشترکان تلفن همراه ۷۰۲ میلیارد نفر برآورد شده... است...» (ص ۵، بند ۲، س ۱)

درست: ... تعداد مشترکان تلفن همراه هفت‌صدو دو میلیارد نفر برآورد شده ... است... .

«تعداد گوشی‌های فروخته شده ... ۳۴۰ میلیون دستگاه اعلام شده است...» (ص ۵، بند ۲، س ۳)

درست: تعداد گوشی‌های فروخته شده... سیصد و چهل میلیون دستگاه اعلام شده است... .

## ۵. گزینش واژگان و برابرهای مناسب فارسی

### به جای عربی

### ۱.۵. کاربرد اسم‌های بیگانه

امروزه گرایش فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فرهیختگان و عموم مردم ایران به کار نبردن واژگان بیگانه، اعم از اروپایی و عربی، است؛ بهویژه واژگانی که برابرهای مناسب و خوش‌نشین فارسی دارند. در زیر، نمونه‌هایی از واژگان به کار رفته در کتاب نگارش ۱ همراه با برابر نهادهای مناسبی که می‌توانسته است به جای آن‌ها بیاید، ارائه شده‌اند:

جدول ۱: در هر دریف، در ستون راست واژه بیگانه و در سمت چپ معادل فارسی آن نوشته شده است.

قبل	پیش	راه	طریق	اعتقاد	باور
ترجیح	برتری	اضطراب	پرسنلی، آشنگی، هراس	محبت	رنج سختی
سؤال	پرسش	انتخاب	گزینش	تمام	همه، همگی
رجال	بزرگان، مردان	ظلمات	تاریکی‌ها	درمان	محلجه
قدم	گام	ارسال	فرستادن	قدمت	پیشنهاد، دیرینگی
آرشیو	بایگانی	حادثه	رویداد، رخداد	واقعه	پیش‌آمد
بیرق	پرچم	مستمر	پیوسته، فرایندی	تدوین	گردآوری
هیبت	بزرگی، شکوه	درست	صحیح	همت	تلاش، دلبری، کوشش

فاعل، اسم مفعول، عدد مرکب و...) می‌سازند  
یا با هم خوانده می‌شوند، نیم‌فاصله (مانند:  
خیمه‌شب‌بازی) و میان این اجزا و جزء یا اجزای  
دیگر، یک فاصله می‌گذاریم (مانند: داستان‌گونه  
نویسی).

۴. هرگاه هیچ‌یک از اجزای ترکیب چندجزئی  
با هم سازه‌ای دستوری (مانند اسم فاعل، اسم  
مفوع، عدد مرکب و...) نسازند یا با هم خوانده  
نشوند، همه اجزای ترکیب از هم یک فاصله  
می‌گیرند؛ مانند: بادمجان دور قاب چین.

• موردهای ۱، ۲ و ۳ نمونه‌هایی از کتاب‌اند که  
قاعدۀ بالا در آن‌ها رعایت نشده است.

## ۶. اصول نشانه‌گذاری در زبان

### نوشتاری فارسی

از آنجا که این نشانه‌ها (، ، ؟ !) از زبان‌های  
اروپایی آمده‌اند، اصول قرارگرفتنشان هم از  
ضابطه‌های نگارش همان زبان‌ها پیروی می‌کند.  
در زبان‌های اروپایی همیشه این نشانه‌ها به  
واژه پیش از خود می‌چسبند و از واژه بعدی  
فاصله می‌گیرند. این فاصله هم باید به اندازه یک  
space باشد، نه بیشتر!

بنابراین، فاصله اندادختن بین نشانه‌هایی چون  
«، ، ؟ !» و واژه‌های پیش از آن‌ها و فاصله  
نیندادختن بین این نشانه‌ها و واژه‌های پس از  
آن‌ها نادرست است. درست این است:

[واژه] [نشانه موردنظر] [فاصله یا همان  
space] [واژه بعد].

رعایت این شیوه، هم شکل ظاهری متن را زیباتر  
می‌کند و هم باعث می‌شود نشانه‌گذاری‌های  
متن در هر حالتی از جمله که دیده شدند، در  
نمایشگر رایانه و یا چاپ روی کاغذ، به هیچ‌وجه  
از انتهای سطر پایین نیافتد.  
نشانه‌گذاری در کتاب می‌تواند از ساده‌ترین  
موردهای رعایت درست‌نویسی و خوانانویسی  
و عامل رفع بسیاری از ابهام‌ها به شمار آید اما  
متأسفانه به این مقوله کمتر توجه شده است.

## ۷. نتیجه و پیشنهاد

### ۱. نمونه اشکال‌های نشانه‌گذاری در کتاب

- منابع
- آیین نگارش مکاتبات (۱۳۸۵). امینی، سید کاظم.
  - اداری، چاپ پیست و ینج. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌بزی. ۲. بدیعی، نعیم و قندی، حسین. (۱۳۸۲).
  - روزنامه‌نگاری نوین، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
  - دستور خط فارسی. (۱۳۲۲). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
  - کافی، قاسم. (۱۳۹۱). آیین نگارش و پرایش، چاپ ششم، ارسیان، تهران.
  - ذوق‌القاری، حسن. (۱۳۹۲).
  - راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی، چاپ سوم، تهران: نشر علمی.
  - تجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۰).
  - غلط نویسیم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
  - نیکویخت، ناصر. (۱۳۹۵).
  - مبانی درست‌نویسی زبان فارسی معيار چاپ پنجم، تهران: چشم.
  - غیرمعیارهای نثر مطبوعاتی مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس. (۱۳۷۶).
  - پژوهشی در واژه‌های بیگانه اروپایی در نشریات فارسی (طرح پژوهشی)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
  - درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی. (۱۳۷۵).
  - آیا زبان فارسی در طرز است؟، درباره زبان فارسی، مرکز نشر دانشگاهی.
  - سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۷۵). «[زبان محلی، زبان شکسته و بهره‌گیری از فرهنگ مردم در صدا و سیما». درباره زبان فارسی، مرکز نشر دانشگاهی.
  - کجاتی حصاری، حجت. (۱۳۷۴). تشدید در زبان فارسی.
  - aryaadib.blogspot.com

کامل باشد، نشانه جمله درون آن قرار می‌گیرد:  
جمله درست: ... «نویسنده‌گان...»  
«متن زیر را بخوانید، سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.» (ص ۳۹، س ۱)  
**توضیح:** در جمله‌های مرکب و پیش از واژه‌های توضیحی (مانند: یعنی، مانند، زیرا، بنابراین، اما، در نتیجه، از این‌رو، چنان‌که، با وجود این، در این صورت، با این حال، با این‌همه، برای نمونه و ...)، نقطه ویرگول می‌آید:  
جمله درست: متن زیر را بخوانید؛ سپس یکی را انتخاب کنید و گسترش دهید.  
نکته: پیش از نشانه نقطه ویرگول باید فعل باشد.

نشانه‌های نگارشی در کتاب یا به صورت نادرست به کار رفته‌اند، یا زائدند یا اساساً کاربردی ندارند. این شیوه به کارگیری نشانه‌ها آشکار می‌سازد که رویه‌ای خاص و مبتنی بر اصول، مدنظر ویراستار کتاب نبوده و بیشتر کاربردها ذوقی است.

### ۸. نتیجه و پیشنهاد

هدف اصلی این نوشته، شناسایی مهم‌ترین الگوهای غیرمعیار کتاب، طبقبندی و بررسی بسامد هر یک و در پایان، نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع آن‌هاست. نوشته بر فرضیه زیر استوار بوده است:  
• بیشترین الگوهای زبانی غیرمعیار در کتاب نگارش ۱، به ترتیب در حوزه‌های ویرایش فنی، زبانی و بلاغی دیده می‌شوند.  
بررسی‌های انجام شده درستی فرضیه را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد وضعیت ویرایش کتاب نگارش ۱، کاملاً مطلوب نیست. این گزارش هشداری است مبنی بر اینکه کتاب نگارش - که الگوی درست‌نویسی و پیراسته‌نویسی است، خود در ساختار، نثر و سبک نوشتاری نارسانی‌ای و ناهمانگی‌هایی دارد و باید بیش از همیشه و پیش از آنکه کنترل زبان آن از دست خارج شود، در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلند مدت تدبیرهایی برای ویرایش دقیق و اصولی آن اندیشیده شود. تأمل در این پیشنهاد می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های آتی، نقش بسزایی ایفا کند. با توجه به حساسیت کار، با ویرایش دقیق، حرفاًی و با حوصله آن می‌توان گامی جدی در مسیر رفع نارسانی‌های ویرایشی کتاب برداشت.

وقتی کسی موضوعی برای نوشتن پیدا نمی‌کند، به طنز می‌گوید: «نویسنده‌گان، قبل از چیز را نوشته‌اند، دیگر موضوعی برای نوشتن نمانده است». (ص ۱۴، ب ۲، س ۳)  
**توضیح:** اگر جمله درون گیوه (قلاب و پرانت)